

برائت از گناه تنها از طریق ایمان



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: غلاطیان باب ۲ آیات ۱۵ تا ۲۱؛ افسسیان باب ۲ آیه ۱۲؛ فیلیپیان باب ۳ آیه ۹؛ رومیان باب ۳ آیات ۱۰ تا ۲۰؛ پیدایش باب ۱۵ آیات ۵ و ۶؛ رومیان باب ۳ آیه ۸.

آیه حفظی: «من با مسیح مصلوب شده‌ام به طوری که دیگر آنکه زندگی می‌کند من نیستم، بلکه مسیح است که در من زندگی می‌کند و در خصوص این زندگانی جسمانی‌ای که من اکنون دارم، فقط به وسیله ایمان به پسر خدا که مرا محبت کرد و جان خود را به خاطر من داد زندگی می‌کنم» (غلاطیان باب ۲ آیه ۲۰).

همانطور که هفته گذشته دیدیم، پولس در انطاکیه علناً با پطرس به مقابله پرداخت چرا که بین ایمانی که از آن دفاع میکرد و رفتاری که از خود بروز داده بود ثبات و هماهنگی وجود نداشت. تصمیم پطرس برای همسفره نشدن با بی دینان و ملحدان پیشین، به این نکته اشاره داشت که آن‌ها در بهترین حالت، مسیحیان درجه دوم محسوب میشوند. اعمال او دلالت بر این داشتند که اگر آن‌ها واقعاً مایل بودند جزئی از خانواده خدا باشند و از برکات کامل همسفره بودن متنعم بشوند، باید ابتدا رسم ختنه شدن را بجا بیاورند.

در واقع در آن موقعیت بحرانی پولس به پطرس چه گفت؟ در درس این هفته، خلاصه ای از آنچه که ادامه یافت را مطالعه خواهیم نمود. این متن شامل برخی از فشرده‌ترین جمله‌بندی‌ها در عهد قدیم می‌باشد و بسیار قابل توجه است، چرا که برای نخستین بار چندین لغت و عبارت کلیدی و بنیادین را با هم معرفی میکند که هم برای درک انجیل و هم برای درک ادامه نامه پولس به غلاطیان حیاتی است. این کلمات کلیدی شامل برائت، عدالت، اعمال شریعت، اعتقاد و نه تنها ایمان بلکه حتی ایمان مبتنی به عیسی، می‌باشند.

منظور پولس از این عبارات چیست و آن‌ها چه چیزی درباره نقشه نجات به ما می‌آموزند؟

مسئله «برائت» (غلاطیان باب ۲ آیات ۱۵ و ۱۶)

پولس در غلاطیان باب ۲ آیه ۱۵ می‌نویسد، «ما که یهودی مادر زاد هستیم و نه غیر یهودی گناهکار.» به نظر شما او به چه نکاتی اشاره می‌کند؟

سخنان پولس می‌بایست در مضمون و شرایط محیطی آن درک بشوند. پولس در تلاش برای جذب هم‌تایان مسیحی یهودی تبار خود به سمت خویش، سخنان خود را با چیزی که آن‌ها با آن موافق بودند، آغاز می‌کند: تفاوت آداب و رسوم در میان یهودیان و غیریهودیان. یهودیان برگزیده خدا بودند، احکام خدا به ایشان سپرده شده بود و آن‌ها از رابطه عهد با او بهره می‌بردند. در حالی که غیریهودیان گناهکار بودند؛ احکام خدا رفتار ایشان را محدود می‌کرد و آن‌ها خارج از پیمان عهد بودند (افسسیان باب ۲ آیه ۱۲، رومیان باب ۲ آیه ۱۴). در حالی که غیریهودیان به وضوح «گناهکار» بودند، پولس در آیه ۱۶ به مسیحیان یهودی هشدار می‌دهد که امتیازات روحانی‌شان آن‌ها را نزد خدا مقبول تر نمی‌سازند، زیرا هیچ‌کس با «اعمال شریعت» عادل و بی‌گناه شمرده نمی‌شود.

پولس در غلاطیان باب ۲ آیات ۱۶ و ۱۷، چهار بار از واژه «عادل شمرده شدن یا تبرئه شدن یا پاک و بی‌گناه» استفاده می‌کند. منظور او از «تبرئه شدن» چیست؟ خروج باب ۲۳ آیه ۷ و تثیبه باب ۲۵ آیه ۱ را ببینید.

فعل برائت برای پولس یک عبارت کلیدی تلقی می‌شود. از ۳۹ باری که این واژه در عهد جدید بکار رفته است، ۲۷ مرتبه آن در نامه‌های پولس می‌باشد. او ۸ بار در غلاطیان از این واژه استفاده می‌کند، از جمله ۴ ارجاع در غلاطیان باب ۲ آیات ۱۶ و ۱۷. برائت عبارتی حقوقی است که در دادگاه‌ها بکار می‌رود. به حکمی که قاضی در هنگام بی‌گناه اعلام شدن فردی از جرمی که به او نسبت داده شده است، اطلاق می‌شود. برائت در مقابل محکومیت قرار دارد. علاوه بر این، از آنجایی که ریشه یونانی کلمات برائت و عدالت از واژه مشابه یونانی اقتباس می‌شود، کسی که «تبرئه بشود» یعنی اینکه آن شخص «عادل یا صالح یا درستکار» نیز شمرده می‌شود. پس برائت شامل چیزی بیش از عفو یا بخشش است. برائت اعلامیه‌ای قاطع است مبنی بر این که فرد عادل و بی‌گناه است.

اگرچه برای برخی از ایمانداران یهودی نژاد، عادل و بی گناه محسوب شدن نسبی تلقی میشد. این موضوع حول رابطه با خدا و و عهد وی میچرخید. «عادل شمرده شدن یا بی گناه محسوب شدن» نیز به معنای این بود که فرد به عنوان عضو وفادار جامعه عهد خدا، خانواده ابراهیم بحساب می آمد.

غلاطیان باب ۲ آیات ۵۱ تا ۷۱ را بخوانید. پولس در اینجا به شما چه می گوید و شما چگونه می توانید این سخنان را در تجربه مسیحی خویش اعمال کنید؟

۱۷ ژوئیه

دوشنبه

اعمال شریعت

پولس در غلاطیان باب ۲ آیه ۱۶، سه مرتبه می گوید که یک فرد با «اعمال شریعت» عادل شمرده نمی شود. منظور او از اصطلاح «اعمال شریعت» چیست؟ این آیات (غلاطیان باب ۲ آیات ۱۶ و ۱۷، باب ۳ آیات ۲ و ۵ و ۱۰؛ رومیان باب ۳ آیات ۲۰ و ۲۸) چگونه به ما در درک منظور او کمک می کنند؟

پیش از اینکه بتوانیم عبارت «اعمال شریعت» را درک کنیم، ابتدا باید بدانیم منظور پولس از واژه شریعت چیست. واژه شریعت (nomos در یونانی) ۱۲۱ مرتبه در نامه های پولس یافت می شود. این عبارت می تواند به چیزهای مختلفی از جمله اراده خدا برای قومش، پنج کتاب نخست موسی، عهد قدیم بطور کامل یا حتی تنها یک مفهوم کلی اشاره داشته باشد. با این وجود، عمده ترین حالتی که پولس از آن استفاده می کند، برای اشاره به مجموعه کامل فرمان های خدا که از طریق موسی به قومش داده شد، می باشد. از این رو، عبارت «اعمال شریعت» احتمالاً شامل تمام الزاماتی است که در فرمان های داده شده خدا از طریق موسی یافت میشوند که خواه جنبه اخلاقی - معنوی یا تشریفاتی داشتند. منظور پولس این است که مهم نیست یک فرد تا چه میزان تلاش کند که از احکام خدا اطاعت و پیروی نماید، این فرمان برداری هرگز آنقدر خوب نخواهد بود که خدا ما را بر اساس آن عادل بشمرد و یا ما را در برابر خدا عادل نماید. این بدین دلیل است که احکام خدا مستلزم وفاداری مطلق در پندار و کردار می باشد - نه فقط گاهی اوقات، بلکه همواره و نه فقط برای برخی از فرمان هایش، بلکه برای تمام آنها.

اگرچه عبارت «اعمال شریعت» در عهد قدیم و در غیر از نوشته های پولس در عهد جدید نیامده است، تأیید حیرت انگیز معنای آن در سال ۱۹۴۷ با کشف طومارهای دریای

مرده (بحرالمیت) پدیدار شد. این طومارها مجموعه‌ای از نسخه‌های مکتوب گروهی از راهبان یهودی به نام اِسین‌ها بودند که در زمان عیسی زندگی می‌کردند. اگرچه این طومارها به زبان عبری بودند، یکی از آن‌ها دقیقاً این عبارت را در برداشت. عنوان طومار Miqsat Ma'as Ha-Torah است که می‌تواند به «اعمال مهم شریعت» ترجمه بشود. آن طومار به شرح تعدادی از مسائل که بر اساس احکام کتاب مقدس بود می‌پردازد که راجع به جلوگیری از ناپاک شدن مقدسات بود از جمله تعدادی که یهودیان را از غیریهودیان مجزاً می‌کردند. نویسندگان در پایان می‌نویسد که اگر این «اعمال شریعت» رعایت بشوند، در نظر خدا «شما عادل شمرده خواهید شد». نویسندگان بر خلاف پولس، به جای عدالت بر پایه ایمان، به خوانندگان عدالت بر پایه کردار را توصیه می‌کند.

شما در تجربه خود تا چه حد به خوبی احکام خدا را رعایت می‌کنید؟ آیا واقعاً احساس می‌کنید که آن‌ها را چنان خوب رعایت می‌کنید که بتوانید بر اساس رعایت احکام در محضر خدا عادل شمرده بشوید؟ (رومیان باب ۳ آیات ۱۰ تا ۲۰ را ببینید). اگر خیر، چرا و پاسخ شما چگونه به درک‌تان از منظور پولس در اینجا کمک می‌کند؟

۱۸ ژوئیه

سه شنبه

اساس عدالت یا تبریّه شدن یا پاک محسوب شدن ما

«و در وی یافت شوم نه با عدالت خود که از شریعت است، بلکه با آن که بوسیله ایمان مسیح می‌شود، یعنی عدالتی که از خدا بر ایمان است» (فیلیپیان باب ۳ آیه ۹). ترجمه تفسیری: و با او یکی شوم و دیگر برای نجات یافتن بر کارهای خوب خودم و یا اطاعت از قوانین مذهبی تکیه نکنم بلکه اعتمادم بر مسیح باشد زیرا فقط از راه ایمان به مسیح است که خدا ما را بی گناه بحساب می‌آورد.

ما نباید فرض کنیم که مسیحیان یهودی تبار چنین القاء میکنند که ایمان به مسیح از اهمیت برخوردار نبوده؛ و در مجموع نباید فراموش کنیم که همه آن‌ها به عیسی اعتقاد داشتند. همه به او ایمان داشتند. اگرچه، رفتار ایشان نشان داد که چنین احساس کردند که ایمان به تنهایی کافی نبود؛ بلکه باید با فرمانبرداری همراه می‌بود، به نوعی که گویا این فرمانبرداری چیزی به تبریّه شدن یا عادل گشتن می‌افزاید. آن‌ها چنین استدلال می‌کردند که عدالت با ایمان و عمل همراه بود. شیوه ای که پولس بطور مکرر ایمان به مسیح را با اعمال شریعت مقایسه می‌کند، نشان‌دهنده مخالفت شدید وی با قضیه (هر دو ایمان و عمل) میباشد. ایمان و تنها و فقط ایمان، اساس عادل شدن و براءت می‌باشد. برای پولس نیز، ایمان تنها یک مفهوم انتزاعی و غیر عملی نمی‌باشد؛ بلکه به صورت

جدایی‌ناپذیری با عیسی مرتبط است. در حقیقت، عبارتی که در غلاطیان باب ۲ آیه ۱۶ دو مرتبه به صورت «ایمان به مسیح» ترجمه شده است، بسیار غنی‌تر از هر ترجمه‌ای است که بتواند در بر گیرنده آن باشد. عبارت یونانی بطور تحت الفظی به عنوان «ایمان» یا «وفاداری» نسبت به عیسی ترجمه شده است. این ترجمه دقیق، آشکار کننده یک همسنجی و مقایسه‌ای عالی بین اعمال شریعت که به آن عمل می‌کنیم و اعمال مسیح است که بجای ما به اتمام رسانید اعمالی که او بواسطه وفاداری خویش برای ما به انجام رسانید.

مهم است به یاد داشته باشیم که ایمان به عادل شدن یا برائت منجر نمیشود، گوئی که ایمان شایستگی ایجاد کند. در عوض، ایمان وسیله‌ای است که بموجب آن به مسیح و اعمال او در عوض خود متوسل می‌شویم. ما بر اساس ایمان خود تپنه نمی‌شویم بلکه بر اساس وفاداری عیسی برای ماست که آنرا از طریق ایمان ادعا و طلب می‌کنیم.

مسیح کاری را انجام داد که همه افراد از انجام آن قاصر ماندند و آن این است: تنها او در همه کارهایی که انجام می‌داد، به خدا وفادار بود. امید ما به وفاداری مسیح می‌باشد و نه به خودمان. این در کنار سایر حقیقت‌ها، حقیقتی بزرگ و مهم است که اصلاحات پروتستان آغاز شد، حقیقتی که امروزه نیز به همان اندازه زمانی که مارتین لوتر (Martin Luther) قرن‌ها پیش شروع به موعظه آن نمود، مهم می‌باشد.

ترجمه ابتدایی سریانی از غلاطیان باب ۲ آیه ۱۶، منظور پولس را به خوبی انتقال می‌دهد: «اما چونکه یافتیم که هیچ کس از اعمال شریعت عادل شمرده نمی‌شود، بلکه به ایمان به عیسی مسیح، ما هم به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا از ایمان به مسیح و نه از اعمال شریعت عادل شمرده شویم، زیرا که از اعمال شریعت هیچ بشری عادل شمرده نخواهد شد.»

رومیان باب ۳ آیات ۲۲ و ۲۶، غلاطیان باب ۳ آیه ۲۲، افسسیان باب ۳ آیه ۱۲ و فیلیپیان باب ۳ آیه ۹ را بخوانید. این آیات و آنچه در بالا خواندیم، چگونه به ما در درک این حقیقت شگفت‌انگیز که وفاداری مسیح برای ما، فرمانبرداری بی‌عیبش از خدا، تنها اساس نجات ماست، کمک می‌کنند؟

۱۹ ژوئیه

چهارشنبه

اطاعت از طریق ایمان

پولس آشکار می‌سازد که ایمان برای زندگی مسیحی بطور مطلق اساسی می‌باشد. به وسیله ایمان وعده‌هایی را که در مسیح داریم بدست می‌آوریم. اما ایمان دقیقاً چیست؟ شامل چه چیزی می‌باشد؟

آیات زیر به درباره منشاء ایمان چه چیزی می آموزند؟ پیدایش باب ۱۵ آیات ۵ و ۶ ، یوحنا باب ۳ آیات ۱۴ تا ۱۶ ، دوم قرنتیان باب ۵ آیات ۱۴ و ۱۵ ، غلاطیان باب ۵ آیه ۶.

ایمان واقعی منطبق با کتاب مقدس همواره لبیک گفتن به خداست. ایمان نوعی احساس یا نگرشی نیست که انسانها بخاطر الزام خدا به یکباره به آن دست یازند. بالعکس، ایمان در قلبی که با حسی از قدردانی و محبت برای نیکو شدن در خدا لمس شده است، شکل می گیرد. به این دلیل است که وقتی کتاب مقدس درباره ایمان سخن می گوید، آن ایمان همواره از تدبیر و مشیتی که خدا در نظر دارد، پیروی می کند. برای مثال در مورد ابراهیم، ایمان، یعنی لبیک او به وعده های شگفت انگیزی است که خدا به او می دهد (پیدایش باب ۱۵ آیات ۵ و ۶)، درحالی که در عهد جدید، پولس می گوید که ایمان کاملاً در تشخیص ما از آنچه مسیح بر روی صلیب برای ما انجام داد، ریشه دارد.

اگر ایمان پاسخی به خدا می باشد، آن پاسخ باید شامل چه چیزی باشد؟ تعمق نمائید که آیات زیر چه چیزی درباره ماهیت ایمان می گویند. یوحنا باب ۸ آیات ۳۲ و ۳۶ ؛ اعمال رسولان باب ۱۰ آیه ۴۳ ؛ رومیان باب ۱ آیات ۵ و ۸ ، باب ۶ آیه ۱۷ ؛ عبرانیان باب ۱۱ آیه ۶ ؛ یعقوب باب ۲ آیه ۱۹.

بسیاری از مردم ایمان را به عنوان «باور» معنی می کنند. این تعریف مشکل ساز است، زیرا واژه معادل «ایمان» در زبان یونانی در واقع از فعل «ایمان داشتن» بر گرفته شده است. استفاده از یکی از آنها برای معنی کردن دیگری مانند گفتن «ایمان یعنی ایمان داشتن» است. بررسی دقیق کتاب مقدس نشان می دهد که ایمان نه تنها شامل دانش و آگاهی در مورد خدا می شود، بلکه شامل رضایت فکری-روانی یا پذیرش آن دانش نیز می باشد. این دلیلی است که چرا داشتن تصویری دقیق از خدا حائز اهمیت می باشد. ایده های تحریف شده در مورد شخصیت خدا در واقع می تواند داشتن ایمان را مشکل تر بسازد. اما داشتن رضایت فکر و خاطر از انجیل کافی نیست، زیرا در این مفهوم، حتی «شیاطین نیز اعتقاد دارند.» ایمان حقیقی همچنین بر شیوة زندگی فرد نیز تأثیر می گذارد. پولس در رومیان باب ۱ آیه ۵، درباره «اطاعت ایمان» می نویسد. پولس نمی گوید که اطاعت مانند ایمان است. منظور او این است که ایمان واقعی بر زندگی کامل انسان تأثیر می گذارد و نه تنها بر ذهن وی. این به جای فهرستی از قوانین، شامل تعهد نسبت به خداوند و نجات دهنده یعنی عیسی مسیح می باشد. ایمان به همان اندازه آنچه که باور داریم، آنچه انجام می دهیم و آنگونه که زندگی می کنیم و به آنکس که اطمینان داریم نیز می باشد.

آیا ایمان، گناه را ترویج می‌دهد؟

یکی از اصلی‌ترین اتهامات علیه پولس این بود که مژده انجیل وی از عدالت فقط از طریق ایمان، مردم را تشویق به گناه کردن می‌نمود (رومیان باب ۳ آیه ۸ و باب ۶ آیه ۱ را ببینید). شکی نیست که اتهام زندگان پاسخ دادند که اگر مردم برای پذیرفته شدن توسط خدا، ملزم به نگه داشتن احکام نباشند، پس چرا باید نگران نحوه زندگی‌شان باشند؟ لوتر نیز با همین اتهامات روبرو شد.

پولس چگونه به این اتهام که تعلیم عدالت فقط از طریق ایمان، رفتار گناهکارانه را ترویج می‌دهد، پاسخ داد؟ غلاطیان باب ۲ آیات ۱۷ و ۱۸.

پولس به شدیدترین شکل ممکن، اتهامات مخالفینش را پاسخ می‌دهد: «حاشا!» اگرچه این امکان وجود دارد که فردی پس از روی آوردن به عیسی مرتکب گناه بشود، اما مسئولیت آن مطمئناً با مسیح نخواهد بود. اگر ما قانون را زیر پا بگذاریم، ما خود قانون شکن هستیم.

پولس چگونه اتحاد خود با عیسی مسیح را توصیف می‌کند؟ این جواب به چه شیوه‌ای اعتراضات مخالفینش را پاسخ می‌دهد؟ غلاطیان باب ۲ آیات ۱۹ تا ۲۱.

پولس استدلال مخالفان خود را در واقع نامعقول می‌یابد. پذیرفتن مسیح با ایمان چیز بی‌اهمیتی نیست؛ این بازی ایمان سازی از سوی ملکوت نیست که خدا فردی را عادل بشمرد در حالی که هیچ تغییری در نحوه زندگی او ایجاد نشده باشد. در مقابل، پذیرفتن مسیح با ایمان به شدت ریشه‌ای می‌باشد. شامل اتحادی کامل با مسیح است - اتحادی در مرگ و رستاخیز او. از نظر روحانی، پولس می‌گوید که ما با مسیح مصلوب شدیم و شیوه‌های گناه‌آلود پیشین ما که ریشه در خودخواهی داشتند، پایان یافته‌اند (رومیان باب ۶ آیات ۵ تا ۱۴). ما خود را به طور قطعی از گذشته جدا نموده‌ایم. همه چیز جدید می‌باشد (دوم قرنتیان باب ۵ آیه ۱۷). ما همچنین برای یک زندگی جدید در مسیح منتصب شده‌ایم. مسیح قیام کرده در ما زندگی می‌کند و روزانه ما را بیشتر شبیه خود می‌سازد.

بنابراین، ایمان به مسیح، بهانه‌ای برای گناه کردن نیست، بلکه فراخوانی به رابطه با مسیح بسیار عمیق‌تر و غنی‌تر از آن چیزی است که بتوان هرگز در مذهب بر پایه احکام یافت.

شما چگونه مفهوم نجات تنها از طریق ایمان بدون اعمال شریعت را شرح می‌دهید؟ آیا احتمالاً این کمی شما را نمی‌ترساند و باعث نمی‌شود فکر کنید بهانه‌ای برای ارتکاب به گناه باشد - یا اینکه از آن راضی هستید؟ پاسختان چه چیزی درباره درکتان از نجات ارائه می‌دهد؟

۲۱ ژوئیه

جمعه

تفکری فراتر: «به عنوان یک انسان، خطر پذیرفتن اندیشه‌های دروغین در باره «عدالت از طریق ایمان» بارها به من ارائه شده‌اند. برای سال‌ها به من نشان داده شده بود که شیطان به شیوه‌ای خاص برای مغشوش نمودن ذهن در این مورد تلاش خواهد کرد. احکام خدا بمدت زیادی وجود داشته و مورد تاکید قرار گرفته و به جماعت‌های زیادی ارائه شده است بدون اینکه نسبت به عیسی مسیح و ارتباط او با احکام چیزی گفته شود و بهمان گونه نیز هدیه قائل نسبت به خدا بود و چون عاری از نماد قربانی عیسی مسیح بود پذیرفته نشد.. به من نشان داده شده است که بسیاری از ایمان دور ماندند، بدلیل اندیشه‌های مغشوش و آشفته درباره رستگاری، بدلیل اینکه بشارت دهندگان برای جذب افراد از شیوه‌ای نادرست استفاده کرده‌اند. موضوعی که برای سال‌ها فکر مرا ترغیب نموده است، عدالت مسیح بوده است...

«هیچ نکته‌ای غیر از ناتوانی بشر سقوط کرده در داشتن شایستگی چیزی با اعمال خوب خود، وجود ندارد که باید با صداقت بیشتری در آن تعمق بشود، به دفعات بیشتری تکرار بشود یا محکم‌تر در ذهن همه ایجاد شود. نجات تنها از طریق ایمان به عیسی مسیح می‌باشد.» - الن جی. وایت، ایمان و اعمال. صفحات ۱۸ و ۱۹.

Ellen G. White, Faith and Works, pp. 18, 19

«احکام طالب عدالت هستند و این چیزی است که گناهکار به احکام بدهکار است؛ اما او در ارائه آن ناتوان است. تنها روشی که او می‌تواند بواسطه آن به عدالت برسد، از طریق ایمان می‌باشد. او از طریق ایمان می‌تواند شایستگی‌های مسیح را نزد خدا بیاورد و خداوند اطاعت از پسرش را به حساب گناهکار می‌نویسد. عدالت مسیح به جای قصور بشر پذیرفته می‌شود و خدا نفس ایماندار و توبه‌کار را عفو و تصدیق می‌نماید، با او به گونه‌ای که گویا عادل است، رفتار می‌کند و همانطور که به پسرش محبت دارد، به او نیز محبت می‌کند.» - الن جی. وایت، پیامهای منتخب. کتاب اول صفحه ۳۶۷.

Ellen G. White, Selected Messages, book 1, p. 367

سوالاتی برای بحث

۱. در اولین متن ارائه شده در بالا، خانم الن جی. وایت می‌گوید که هیچ موضوعی به اندازه عدالت از طریق ایمان نیاز به تأکید ندارد. در کلاس، در این باره بحث کنید که آیا نظرات وی به همان میزان که بیش از صد سال گذشته کاربرد داشتند، امروزه نیز برای ما قابل اعمال می‌باشند و اگر چنین است، دلیل آن چیست؟
۲. درباره اصلاحات پروتستان و لوتر بیانید. با وجود اختلاف زمان، مکان و شرایط، چرا حقیقتی که پولس در اینجا ارائه داد، عامل بسیار مهمی در آزادی میلیون‌ها نفر از اسارت روم بود؟

خلاصه: رفتار پطرس در انطاکیه اینگونه قلمداد میشود که بی دینان سابق نمی‌توانستند مسیحیانی حقیقی باشند مگر آنکه نخست ختنه بشوند. پولس به اشتباه بودن چنین طرز فکری اشاره نمود. خدا نمی‌تواند کسی را بر اساس رفتار آن فرد عادل بداند، زیرا حتی بهترین انسان‌ها، عاری از نقص نیستند. تنها با پذیرفتن کاری که خدا برای ما در مسیح انجام داده است گناهکاران می‌توانند در نظر وی عادل شمرده بشوند.